

دختری که پیامبر خدا زکریا (ع) به حال او غبطه می خورد

و كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ﴿٣٧﴾ هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ ﴿٣٨﴾ فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ ﴿٣٩﴾

هر وقت زکریّا به صومعه عبادت مریم می آمد نزد او رزق شگفت آوری می یافت، گفت که ای مریم، این روزی از کجا برای تو می رسد؟ پاسخ داد که این از جانب خداست، همانا خدا به هر کس خواهد روزی بی حساب دهد. در آن هنگام زکریّا (که کرامت مریم مشاهده کرد) پروردگار خود را بخواند، گفت: پروردگارا، مرا (به لطف خویش) فرزندی پاک سرشت عطا فرما، که همانا تویی اجابت کننده دعا. پس فرشتگان زکریّا را ندا کردند هنگامی که در محراب عبادت به نماز ایستاده بود که همانا خدا تو را بشارت می دهد به (ولادت) یحیی، در حالی که او به کلمه خدا (یعنی نبوت عیسی) گواهی دهد و او خود پیشوا و پارسا و پیغمبری از شایستگان است.

پاسخ به شبهه

أَفَأَصْفَاكُمْ (از ماده صاف و مصطفی. به معنای امتیاز) رَبُّكُمْ بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ

إِنَاثًا (بنات هم نفرمود، اناثا فرمود به این جهت که چنان از تولد دختر ناراحت می شدند که چهره

آنها تغییر می کرد. آنچه را خود نمی پسندید را به خدا نسبت می دهید!) إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا

عَظِيمًا (سه جسارت بزرگ در اینجاست: داشتن فرزند، داشتن دختر، آن ملائکه بزرگ را زن

کردی) (اسراء - ۴۰)